

## بازخوانی حکم حرمت حشره خواری در فقه اسلامی با تأکید بر فقه امامیه\*

علی محمد حیدر سرلک (نویسنده مسئول)\*\*

سید رسول حسینی کوهستانی\*\*\*

### چکیده

امروزه توسعه جهانی، سبک زندگی در خوردن و آشامیدن را متحول ساخته است و با گسترش روزافزون صنایع غذایی و علوم وابسته به آن، مسائل مستحدث فراوانی فراروی فقه اسلامی قرار گرفته است. در این میان، رویکرد صنایع غذایی به فرآورده‌هایی بر پایه حشرات از یک سو و کثرت وجود این فرآورده‌ها در بازارهای اسلامی از سوی دیگر، مسئله‌ای است که ضرورت آن موجب شد تا این تحقیق، حکم فقهی حرمت حشره‌خواری را از منظر فقه اسلامی با تأکید بر فقه امامیه، مورد بازخوانی مجدد قرار دهد. در تحقیقات پیش از این هر چند موضوع حشره‌خواری و منافع آن مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است، اما عمده این تحقیقات از سوی محققان علوم تجربی انجام گرفته و زمینه اصلی پژوهش در آن‌ها نیز بر پایه صنایع غذایی، کشاورزی و اقتصاد بوده است. از همین رو تحقیق حاضر در موضوع حکم حشره‌خواری، به لحاظ تکیه بر منابع فقهی همه مذاهب اسلامی از یک سو و انجام آن توسط دانش‌آموختگان علم فقه از سوی دیگر، برای اولین بار در قالب یک مقاله ارائه می‌گردد. تحقیق حاضر به روش توصیفی، تحلیلی و با رجوع به منابع فقهی مذاهب اسلامی، به ویژه مذهب امامیه انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش بیانگر این مطلب است که به خلاف تلقی عمومی بر حرمت حشره‌خواری، در فقه اسلامی، حکم حشره‌خواری بین حلیت مطلق و حرمت مطلق نوسان دارد و در فقه امامیه نیز دلیل مورد اتفاقی که از سوی همه فقها پذیرفته شده باشد، بر حرمت خوردن حشرات وجود ندارد.

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۰۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶ - نوع مقاله: علمی، ترویجی.

\*\* استادیار دانشگاه علوم پزشکی گلستان؛ دکترای فقه اسلامی؛ sarakl59@gmail.com

\*\*\* استادیار دانشگاه علوم پزشکی گلستان؛ سطح چهار حوزه؛ Rasol1344@gmail.com

## کلید واژه‌ها: اشربه، اطعمه، حشره، حشره‌خواری، غذای حلال.

### مقدمه

تأمین غذای جمعیت جهان با تقاضای بالای مصرف‌کننده، مستلزم افزایش در تولید غذاست و در این میان، فقر و گرسنگی، کمبود غذا، انرژی، آب و بحران‌های مالی چالش‌های عمده فراروی جامعه بشری هستند که در کنار آن‌ها افزایش قیمت نهاده‌های کشاورزی، تردید در سلامت مواد غذایی و تغییرات شرایط آب و هوایی و گرم شدن کره زمین به سبب انتشار گازهای گلخانه‌ای نیز مزید بر علت شده‌اند.

با وجود این چالش‌ها این سؤال مطرح می‌گردد که برای رفع معضل گرسنگی جمعیت کره زمین چه منابع دیگری وجود دارد؟ در اینجا استفاده از پتانسیل حشرات به عنوان غذا و خوراک برای انسان، دام و طیور می‌تواند راه حل مناسبی برای حل بحران جهانی غذا باشد تا آنجا که در گزارش سازمان ملل متحد، انواع حشرات خوراکی جایگزین مناسبی برای پروتئین‌های مرغ، گوشت و ماهی شمرده شده است. (استادی، ۱۳۹۵: ۲۰۴) برای نمونه فقط از جنبه خطر گازهای گلخانه‌ای باید گفت: ۳۰٪ از گازهای گلخانه‌ای جهان را صنعت دامداری تولید می‌کند، یعنی اگر تمام ماشین‌ها، قطارها، هواپیماها و کشتی‌های دنیا را روی هم بگذاریم، باز هم از نظر تولید گازهای گلخانه‌ای به پای صنعت دامداری نمی‌رسد. این در حالی است که جمعیت کره زمین به سرعت رو به افزایش است و کارشناسان براین باورند که تا ۳۵ سال آینده، زمین برای کشاورزی و دامداری باید دست‌کم ۷۰٪ و مصرف آب آشامیدنی نیز ۱۲۰٪ افزایش یابد. حال آنکه حجم تولید گازهای گلخانه‌ای حاصل از ۲۰ کیلوگرم حشره خوراکی مثل ملخ، تقریباً با ۲۰۰ گرم گوشت گاو برابری می‌کند و یا در مقابل یک لیتر آب مصرفی برای تولید یک کیلوگرم ملخ، باید برای تولید یک کیلوگرم گوشت گاو و یا مرغ به ترتیب ۲۲۰۰۰ و ۲۳۰۰ لیتر آب مصرف نمود. (زند، ۲۰۱۹: م).

علاوه بر ارزش غذایی، حشرات دارای محصولات با ارزش دیگری نیز برای انسان هستند از جمله عسل و ابریشم یا کارمین -رنگ قرمز تولید شده از حشرات راسته نیم‌بال‌پوشان که در صنایع غذایی، نساجی و داروسازی استفاده می‌شود- و نوعی پروتئین که حشرات را قادر به پرش می‌سازد برای ترمیم عروق در طب، (استادی، ۱۳۹۵: ۲۱۱)

حال، با درک ضرورت‌های فوق، یکی از موانع عمده در جوامع اسلامی، حکم حرمت استفاده از حشرات و فرآورده‌های حاصل از آن‌ها همچون رنگ‌های خوراکی است.



تحقیق حاضر به روش توصیفی، تحلیلی با رجوع به منابع فقهی مذاهب اسلامی به ویژه مذهب امامیه و بررسی مستندات آن‌ها در حکم حشره‌خواری پرداخته است. در تحقیقات پیش از این هرچند موضوع حشره‌خواری و منافع آن مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است، اما عمده این تحقیقات از سوی محققان علوم تجربی انجام گرفته و زمینه اصلی پژوهش در آن‌ها نیز بر پایه صنایع غذایی، کشاورزی و اقتصاد بوده است. از این رو، تحقیق حاضر در موضوع حکم حشره‌خواری به لحاظ تکیه بر منابع فقهی همه مذاهب اسلامی از یک سو و انجام آن توسط دانش‌آموختگان علم فقه از سوی دیگر، برای اولین بار در قالب یک مقاله ارائه می‌گردد. البته، نظر به وجود آرا و نظرات متعدد در منابع فقهی و لغوی، سعی بر آن شده در استناد و ارجاع به یک منبع واحد اکتفا نشود و با استناد یک مطلب به منابع متعدد، استحکام و اتقان آن مورد تأکید قرار گیرد، لذا در تحقیق حاضر با فراوانی استناد به منابع مواجه هستیم.

## ۱. مفهوم شناسی

ذیل این عنوان، پس از تبیین مفهوم واژه «حرمت»، نخست مفهوم شناسی و موضوع شناسی حشره در سه علم جانورشناسی، لغت و فقه مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس در یک جمع‌بندی، مفهوم‌شناسی و موضوع‌شناسی حشره در فقه و تفاوت آن با جانورشناسی روشن می‌گردد.

### ۱.۱. حرمت

«حرمت» یا همان حکم به لزوم ترک یک فعل، حکم شرعی تکلیفی است که قانونگذار با جعل قانون، ترک متعلق آن را به‌طور الزامی از مکلف خواسته و به هیچ روی، به فعل آن راضی نمی‌گردد، لذا بر ترک آن پاداش و بر فعل آن نیز عقاب و کیفر مترتب نموده است؛ مانند حرمت شراب‌خواری. (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۴۱۸) حرمت حشره‌خواری در تحقیق حاضر نیز به همین معناست.

### ۱.۲. حشره در علم جانورشناسی

امروزه زیست‌شناسان جهان، جانداران را به سه سلسله اصلی تک‌سلولی‌ها، گیاهان و جانوران تقسیم می‌کنند. در سلسله جانوری، گونه یا نوع، جزئی‌ترین واحدی است که در رده‌بندی جانوران به آن برخورد می‌کنیم. افراد یک گونه، دارای صفات مشترک زیادی هستند و با گونه‌های مجاور تفاوت دارند و با آن‌ها معاشرت نمی‌کنند. واحد، بزرگ‌تر از گونه جنس است که از اجتماع دو یا چند گونه که دارای صفات مشترک هستند به وجود می‌آید. از اجتماع چند جنس، تیره یا خانواده، از چندین تیره،

راسته، چند راسته، رده و چند رده، شاخه شکل می‌گیرد و مجموع تمامی شاخه‌ها تحت یک زیرسلسله و سپس سلسله جانوری قرار می‌گیرند.

مثلاً زنبور عسل از گونه (mellifica-Apis)، خانواده گرده‌خواران (Apidae)، راسته زنبورها (Hymenoptera)، رده حشرات (Insecta)، شاخه بندپایان (Arthropoda)، زیر سلسله بی‌مهرگان و سلسله جانوران می‌باشد. (بحرینی، ۱۳۹۴: ۷۴-۷۳)

حشرات یکی از چهار رده اصلی شاخه بندپایان هستند. بندپایان موفق‌ترین و متنوع‌ترین شاخه جانوران را تشکیل می‌دهند. بدن و پاهایی بندبند دارند، تخم‌های زیادی تولید می‌کنند. اسکلت خارجی سخت و محکمی از جنس نوعی پلی‌ساکارید (کیتین) و پروتئین دارند که بدن و ضامم آن‌ها را پوشانده و از آن محافظت می‌کند. سخت‌پوستان، عنکبوتیان و هزارپایان سه گروه اصلی دیگر بندپایان هستند. در این میان، حشرات دارای بدن سه قسمتی، سر، سینه و شکم‌اند و در ناحیه سینه، سه جفت پای بندبند مفصل‌دار وجود دارد. در حشرات، جنس نر و ماده از یکدیگر مجزا هستند. در معدودی از آن‌ها نوزاد شبیه حشره کامل است، اما اندازه‌های کوچک‌تر دارد. در برخی دیگر موجودی که از تخم خارج می‌شود بال و ساختارهای تولید مثل فعال را ندارد و رفته‌رفته به حشره کامل شبیه‌تر می‌شود. (سازمان پژوهش و برنامه ریزی، ۱۳۹۸: ۴۷-۴۵)

پیش از تقسیم‌بندی امروزی، ارسطو به عنوان پدر علم جانورشناسی، اولین کسی بود که در سده چهار پیش از میلاد جانوران را به دو گروه کلی دارای خون قرمز و بدون آن تقسیم کرد. گروه نخست شامل سه دسته پرنندگان، ماهی‌ها، جانوران بزرگ دریایی مانند وال‌ها و گروه دوم شامل چهار دسته پوست‌شکننده‌دارها، صدف‌دارها، نرم‌تنان و حشرات می‌شد. وی انسان‌ها، جانورانی که گونه‌های زیادی نداشتند و جانوران بدون نام را از این طبقه‌بندی خارج می‌دانست (قلندری: ۳۹۴ و ۴۰۳) اما بدون شک شناخته‌شده‌ترین اثری که درباره جانوران در میان مسلمانان نوشته شده کتاب الحیوان (ج۱، ۲۵۵ ق.) است. وی ابتدا جانوران را به چهار گروه راه‌روندگان، پروازکنندگان، شناگران و خزندگان تقسیم می‌کند و سپس تنها به ذکر زیر گروه‌های دو گروه اول و دوم می‌پردازد. گروه اول شامل انسان، بهائم، سیاح، حشرات بدون بال و گروه دوم شامل سیاح (پرنندگان گوشتخوار) و بهائم (پرنندگان دانه‌خوار) و همج (حشرات بالدار) می‌شد که گروه اخیر را تنها به اعتبار پرواز آن‌ها در زمره پرنندگان می‌آورد. (الجاحظ، ۱۴۲۴ق، ج: ۱، ۲۵-۲۴)

### ۳.۱. حشره در علم لغت

لغت‌شناس برجسته عرب، خلیل ابن احمد در کتاب العین، می‌نویسد: «حشره، جانوران کوچک زمین مثل موش‌های صحرایی و جوجه تیغی‌ها و سوسمارها و مانند آن هستند». (خلیل، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۹۲) مصادر دیگر نیز چون المحيط (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۴۲۴)، المصباح المنیر (فیومی، بی‌تا، ج ۲: ۱۳۷-۱۳۶)، مقاییس اللغة (ابن فارس، ۱۹۷۹م، ج ۲: ۶۶) و مجمع البحرین (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۲۷۰) همین معنا را تایید می‌کنند. از این‌رو نویسنده کتاب التحقیق در جمع‌بندی میان اقوال لغویان در این زمینه می‌نویسد: «حشرات جانوران کوچکی هستند که در زیر زمین لانه کرده و برای معاش خود در روی زمین پراکنده می‌گردند». (مصطفوی، بی‌تا، ج ۲: ۲۲۴) در مصادر ذکر شده عموماً جانورانی مانند سوسمار، موش صحرایی، موش، جوجه تیغی، مار، سوسک، عقرب، خنفساء، زنبور عسل، مورچه و ملخ به عنوان مصادیقی از حشرات معرفی شده‌اند.

### ۴.۱. حشره در علم فقه

فقهها نیز در بیان معنای حشرات به نظر لغویان استناد کرده‌اند؛ مثلاً مقدس اردبیلی با تعریف حشرات به «جانوران کوچک زمین» به کتاب الصحاح استناد ورزیده است. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۶۷) و یا نراقی در تعریف حشرات مانند لغویان نوشته است: «حشرات، حیوانات صغاری هستند که بر زمین حرکت می‌کنند، مانند مار و سوسمار و موش و کرم‌ها و امثال این‌ها». (نراقی، ۱۴۳۶ق: ۸۹)

در باب موضوع‌شناسی، در منابع منتسب به شیعه شاید ابوحنیفه مغربی (م. ۳۶۳ ق.) نخستین فقیهی باشد که سوسمار و جوجه تیغی را از مصادیق حشرات الارض بر می‌شمارد. (مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۳) پس از وی سید مرتضی (م. ۴۳۶ ق.) در بیان حکم سؤر جانوران، با عبارت «حشرات الأرض كالفأرة و الحیة» امثال مار و موش را از جمله حشرات الارض نام می‌برد. (سید مرتضی، ۱۴۱۷ق: ۸۲) شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ق.) مار، عقرب، موش، کرم، سرگین‌گردان، مگس، خنفساء، ساس، زنبور، زنبور عسل، جیرجیرک، کک، سوسک، شپش و حلکه<sup>۱</sup> را از مصادیق حشرات نام می‌برد. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶: ۲۸۱-۲۸۰) همین مصادیق را ابن‌ادریس حلی (م. ۵۹۸ ق.) و محقق حلی (م. ۶۷۶ ق.) نیز با اندکی اختلاف به ترتیب در عناوین حشرات الارض (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳: ۱۱۹) و الحشار (محقق، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۱۷۱) نام برده‌اند. البته ابن‌ادریس و

۱. جانوری است همانند سوسمار که هرگاه احساس خطر کند در میان شن‌ها یا رمل خود را فرو می‌برد. (دمیری).

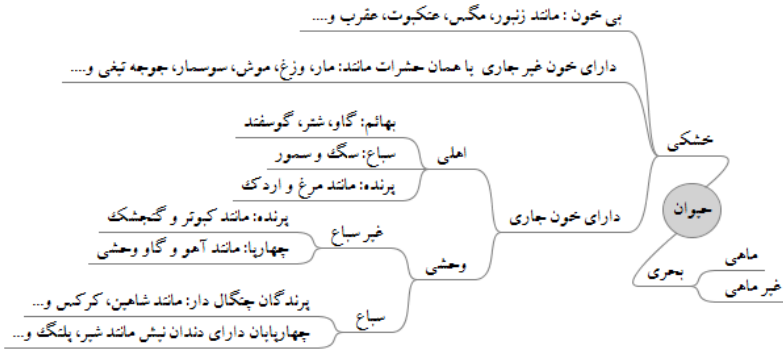


علامه حلی (م. ۷۲۶ ق.) با برشمردن مصادیقی چون یربوع، وبر و جوجه تیغی در زمره سباع و وحوش (ابن ادریس، ۱۴۱۰ ق، ج ۳: ۱۱۹؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ ق، ج ۴: ۶۳۳-۶۳۲)، به نظر، در یک تقسیم‌بندی کمی، حشرات را تنها جانورانی دانسته‌اند که به لحاظ جثه ظاهری هم‌ردیف موش و مار و یا کوچک‌تر از آن‌ها هستند و موارد بزرگ‌تر از آن چون یربوع و قنغذ در طبقه وحوش قرار می‌گیرند، اما کیدری (م. قرن ۷)، لاک‌پشت، وزغ و یربوع را هم در زمره «حشرات الأرض و هوامها» معرفی می‌کند. (کیدری، ۱۴۱۶ ق: ۳۸۶)

علامه حلی در قواعد و شهید اول (م. ۷۸۶ ق.) نیز سوسمار، وبر، فنک، سمور، سنجاب و آفتاب‌پرست را از حشرات شمرده‌اند. (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۳: ۳۲۶-۳۲۵؛ شهید، ۱۴۱۷ ق، ج ۳: ۶)

این روند در موضوع‌شناسی حشرات در فقهای دوران بعد نیز مورد پذیرش قرار گرفته (فیض، بی‌تا، ج ۲: ۱۸۳ و طباطبایی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱۳: ۳۸۹) و بدون تغییر در آثار فقهای معاصر نیز به کار رفته است. (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۱۵۶) از همین رو به لحاظ موضوع‌شناسی نیز تفاوت‌چندانی میان فقهای امامیه و لغویان دیده نمی‌شود.

در اهل سنت نیز هر چند فقهای مذاهب مختلف چون ابن‌الرفعه شافعی (م. ۷۱۰ ق.) (ر.ک: ابن‌الرفعه، ۲۰۰۹ م، ج ۸: ۲۲۹ و ۲۳۳)، ابن‌قدامة حنبلی (م. ۶۲۰ ق.) (ر.ک: ابن‌قدامة، ۱۹۶۸ م، ج ۹: ۴۰۶)، ابن‌عبدالبر مالکی (م. ۴۶۳ ق.) (ر.ک: ابن‌عبدالبر، ۱۹۸۰ م، ج ۱: ۴۳۷) و ابن‌حزم ظاهری (م. ۴۵۶ ق.) (ر.ک: ابن‌حزم، بی‌تا، ج ۶: ۷۶) در مفهوم‌شناسی و به تبع آن موضوع‌شناسی از اهل لغت پیروی کرده و مواردی یکسان و مشابهی با آنان را به عنوان مصادیق حشرات نام برده‌اند، اما گروهی از فقهای حنفی مانند ابوبکر کاشانی (م. ۵۸۷ ق.) با رویه‌ای مستقل از لغت‌شناسان، حیوانات را به سه گروه اصلی بدون خون، دارای خون جاری و دارای خون غیر جاری. (الکاسانی، ۱۹۸۶ م، ج ۵: ۳۶) تقسیم کرده است. وی با گنجاندن جانورانی چون ملخ، مگس، زنبور، عنکبوت و عقرب در طبقه بی‌خون، تنها جانورانی چون مار، موش، سوسمار، وزغ و قنغذ را که در طبقه دارای خون غیر جاری قرار گرفته‌اند تحت عنوان «حشرات الارض و هوامها» نام برده است. (شکل ۱)



تصویر شماره ۱: الکاسانی، ۱۹۸۶م، ج: ۵، ۳۶

در یک جمع‌بندی از مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت: مصادیق حشرات در فقه اعم از مصادیق آن در جانورشناسی بوده و فراتر از یک رده از شاخه بندپایان، شامل همه مهره‌داران و بی‌مهره‌گانی است دارای ویژگی‌های زیر باشند:

۱. خشک‌زی باشند؛
۲. عرفاً در قیاس با چهارپایان و درندگان کوچک باشند، پس نباید به اندازه‌ای ریز باشند که برای دیدن آن‌ها نیاز به چشم مسلح باشد؛
۳. اگر پرواز می‌کنند، مانند زنبور و مگس، عرف آن‌ها را پرنده نداند.

## ۲. حشره‌خواری در فقه

سخن از حلیت یا حرمت حشره‌خواری تنها به شریعت و فقه اسلام اختصاص ندارد و در ادیان شریعت محوری چون یهود و مجوس نیز بدان توجه شده است. در آیین زرتشتیان هرچند گوشت‌خواری پسندیده نیست (عریان، ۱۳۷۱: ۱۷۷) و اکتفای صرف به لبنیات و گیاه فضیلت محسوب می‌شود، اما مصرف گوشت ماهی، چهارپایان سم‌دار و برخی از پرندگان مجاز اعلام شده است (نودهی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۸۵-۳۸۴) در این دین جانورانی چون وزغ، لاک‌پشت، مار، عقرب، مگس و مانند آن‌ها با عنوان کلی خِرْفُسْتَران، مَنَشْی اهریمنی دارند و اجتناب از آن‌ها لازم است (باقری، ۱۳۹۳: ۲۷-۱؛ عریان، ۱۳۷۱: ۱۵۹ و ۱۶۱)

در آیین یهود، کتاب تورات پس از آنکه به تفصیل در دو سفر لایوان و تشنیه، چهارپایان و پرندگان حلال گوشت را نام برده و از حرام گوشت متمایز می‌سازد و با



استثناء انواعی از ملخ، حکم به حرمت خوردن بسیاری از خزندگان و حشرات می‌کند. (سفر لایوان، ۱۱: آیات ۳۰-۲۰)

از منظر مذاهب اسلامی باید گفت در فقه امامیه، شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ق.) در یک تقسیم بندی سه‌گانه بر مبنای مباح، مکروه و محظور بودن گوشت جانوران، با ذکر مصادیقی از حشرات، آن‌ها را در زمره وحوش محظور و حرام گوشت قرار می‌دهد. (شکل ۲). (طوسی، ۱۴۰۰: ۵۷۸-۵۷۴)

پس از وی و در دوره‌های بعد هرچند فقهای چینی چون محقق حلی (محقق، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۱۷۴-۱۶۹) تقسیم‌بندی‌های متفاوت‌تری ارائه نموده‌اند، اما حرمت خوردن حشرات اعم از جوندگان، خزندگان، بندپایان و غیره کماکان به قوت خود باقی ماند و تنها حلیت ملخ از آن مستثنا شد. در فقه حنفی نیز همانند فقه امامیه خوردن همه حشرات حرام و تنها ملخ حلال شمرده شده است. (الکاسانی، ۱۹۸۶م، ج ۵: ۳۶؛ ابن مازہ، ۲۰۰۴م، ج ۶: ۵۷؛ سرخسی، ۱۹۹۳م، ج ۱۱: ۲۲۰)



در فقه حنبلی، ابن قدامه مقدسی با تمسک به آیه شریفه «وَيَجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتُ وَيَحْرَمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ» (اعراف: ۱۵۷) همراه با ذکر مصادیق متعددی، عنوان کلی حشرات را مصداق خبائث دانسته و حکم به حرمت خوردن آن‌ها می‌نماید. وی استثنای قنفذ از حکم حرمت، توسط فقهای چینی چون لیث و ابو ثور را نیز نمی‌پذیرد. (ابن قدامه،

۱. و بر آنان طیبات را حلال و خبائث را حرام می‌کند.





۱۹۶۸م، ج ۹: ۴۰۷-۴۰۵) البته نزد فقهای حنبلی یربوع (نوعی موش صحرايي)، الضب (سوسمار) و وبر از حرمت استثنا شده و حلال شمرده می‌شوند. (ابن قدامه، ۱۹۹۴م، ج ۱: ۵۵۷؛ ابوالبرکات، ۱۹۸۴م، ج ۲: ۱۸۹)

در فقه شافعی، همانند فقه حنبلی با حکم به حرمت حشره‌خواری، یربوع، ابن‌عرس (راسو)، وبر، قنغذ و ضب استثنا شده و حکم به حلیت آن‌ها شده است. (شیرازی، بی‌تا، ج ۱: ۴۵۱-۴۵۰؛ ماوردی، ۱۹۹۹م، ج ۵: ۱۴۰-۱۳۸)

در فقه ظاهری، خوردن انواع آبیان به طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی حلال بوده و حتی بدون نیاز به صید و ترکیه قابل خوردن‌اند. (ابن حزم، بی‌تا، ج ۶: ۶۱-۶۰) حلیت خوردن حیوانات خشک‌زی نیز مشروط به وجود دو شرط است؛ قابلیت ذبح و عدم دلیل خاص بر حرمت آن. (همان: ۸۴) در نتیجه، حشرات فراوانی در زمره حیوانات حرام گوشت قرار می‌گیرند، زیرا یا دلیل خاصی بر حرمت آن‌ها وجود دارد مثل انواع مار، عقرب و موش (همان: ۷۳) و یا به دلیل فقدان حنجره و صدر، قابلیت ذبح متعارف در آن‌ها وجود ندارد مانند زنبور، مگس، خنفساء، حلزون و سایر بندپایان و نرم تنان و... (همان: ۷۶) البته، در این میان ملخ به دلیل خاص از عدم قابلیت ذبح استثنا شده و حلال است. (همان: ۱۲۰) از طرفی دیگر چونندگان و خزندگان فراوانی مانند سمور و یربوع نیز چون قابلیت ذبح را دارا بوده و دلیل خاصی هم بر حرمت خوردن آن‌ها در منابع ظاهری وارد نشده حلال گوشت خواهند بود. (همان: ۸۴)

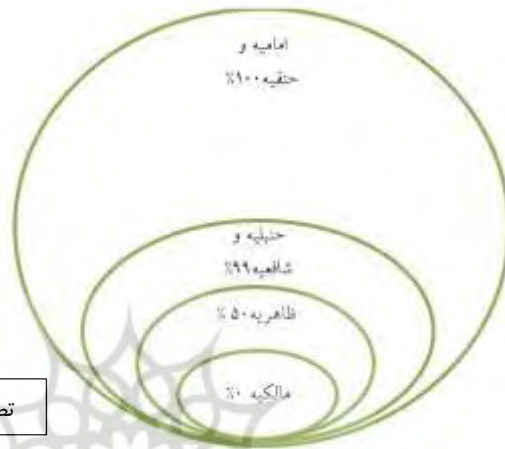
در فقه مالکی، از فقیه بزرگ این مذهب ابوبکر الطرطوشی (م. ۵۲۰ ق.) نقل شده است: «يؤكل جميع الحيوان من الفيل إلى النمل و الدود و ما بين ذلك، إلا الأدمى و الخنزير؛ همه حیوانات از فیل تا مورچه و کرم و آنچه مابین آن‌هاست حلال گوشت هستند مگر انسان و خوک». (ابن شاس، ۲۰۰۳م، ج ۲: ۴۰۲؛ ابن جزی، بی‌تا: ۱۱۵)

بعد از وی، این گفته در سیر تکوین فقه مالکی به عنوان قرائت رسمی پذیرفته شد. از همین رو خوردن انواع حشرات، اعم از خزندگان و چونندگان و غیر آن‌ها، حلال و ذبح حشرات بدون خون نیز همانند ملخ خواهد بود. (وزارت اوقاف کویت، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷: ۲۷۹؛ ابن‌حاجب، ۲۰۰۰م: ۲۲۴؛ ابن‌عبدالبر، ۱۹۸۰م، ج ۱: ۴۳۷) البته نزد معدودی از فقهای مالکی چون ابن‌عسکر بغدادی (م. ۷۳۲ ق.) کلیت قاعده مذکور پذیرفته نشد و حکم حلیت در برخی از درندگان و حشرات تخصیص خورده است. (ابن‌عسکر، بی‌تا: ۵۷)

با نظر به مطالب فوق در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت از نظر فقه اسلام حکم به حلیت و حرمت حشره‌خواری در میانه صفر تا صد متغیر است و به عبارت دیگر در دایره حکم به حرمت خوردن حشرات اگر نظر امامیه و حنفیه مبتنی بر حرمت خوردن



همه حشرات را ۱۰۰٪ فرض کنیم در نسبت سنجی عددی، نظر سایر مذاهب تقریباً این‌گونه خواهد بود: حنبلیه و شافعیه ۹۹٪ به دلیل استثناء موارد انگشت شماری از خزندگان و جوندگان از حکم حرمت، ظاهریه ۵۰٪ به دلیل استثناء موارد فراوانی از خزندگان و جوندگان از حکم حرمت و مالکیه ۰٪ به دلیل اباحه و حلیت مطلق (ت.ش:۳)



### ۳. ادله حرمت حشره خواری

ادله‌ای را که در منابع فقهی متعدد بر حرمت خوردن حشرات اقامه شده است، می‌توان در دو دسته کلی گنجانده و بررسی نمود؛ دسته نخست ادله عام که حشره‌خواری به عنوان یکی از مصادیق آن‌ها معرفی و سپس حکم به حرمت شده و دسته دیگر دلیل خاص که به موجب آن، حشره‌خواری حرام دانسته شده است.

#### ۳.۱.۱. ادله عام

این ادله را می‌توان در موارد ذیل گنجانده:

##### ۳.۱.۱.۱. مسوخ بودن

«مسخ» از مسخ در لغت به معنی تغییر شکل و دگردیسی از شکل اولیه است. (خلیل، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۲۰۶) در اصطلاح فقهی به حیواناتی چون بوزینه، خوک، خرس و امثال آن مسوخ گفته می‌شود، زیرا خداوند پس از آنکه انسان‌هایی را به سبب برخی از گناهان مورد خشم و لعنت خویش قرار داد، آنان را به شکل این حیوانات مسخ نمود. (ر.ک: بروجری، ۱۴۲۹ق، ج ۲۲: ۴۸۳) در فقه امامیه، مسوخ بودن یکی از ادله



حرمت گوشت است. (صدوق، ۱۴۱۵ق: ۴۱۹؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱: ۱۶۶) این مسئله بدون هیچ مخالفتی در میان فقهای امامی پذیرفته شده است (محقق سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۵۲۸)، لذا هر حیوانی که با دلیل معتبر مسوخ بودن آن محرز گردد، حرام گوشت است.

در مبحث موضوع‌شناسی مسوخ، اکثر فقها ورود نکرده و در این مبحث تنها به روایاتی احاله داده‌اند که بیشتر آن‌ها به لحاظ فقهی دارای ضعف بوده و غیر قابل استناد هستند. (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۶۳: ۲۳۰) شیخ صدوق مسوخات را ۲۰ حیوان دانسته که از آن‌ها موش، سوسمار، یربوع، لاک‌پشت و قنفذ از حشرات محسوب می‌شوند. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۳۶۳) سید مرتضی در الانتصار، مسوخات را ۱۰ مورد بر می‌شمارد که از این تعداد تنها سوسمار، عقرب و عنکبوت در گروه حشرات قرار دارند. (سید مرتضی، ۱۴۱۵ق: ۵۰۰) نراقی نیز بنابر احادیث وارده مسوخات را ۱۹ حیوان معرفی می‌کند که فقط پنج حیوان موش، سوسمار، یربوع، لاک‌پشت و جوجه تیغی از مصادیق حشرات هستند. (نراقی، ۱۴۲۵ق: ۳۹) و دست آخر، علامه مجلسی پس از ذکر روایات وارده در باب مسوخات فارغ از ضعف یا قوت آن‌ها - تعداد آن‌ها را در ۳۰ حیوان احصا می‌نماید که این ۱۴ مورد از گروه حشرات هستند: عقرب، سوسمار، وزغ، آفتاب‌پرست، عنکبوت، زنبور، مگس، موش، شپش، جوجه تیغی، مار، خنفساء، وبر و ورل (بزمچه). (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۶۳: ۲۳۰)

### ۳. ۱. ۲. مصداق خبائث بودن

خبائث جمع خبیثه (مؤنث خبیث) صفتی است برای هر چیز فاسد، اعم از آنکه آن چیز محسوس و مادی باشد مثل طعم و رنگ و گفتار و یا غیر مادی و نامحسوس مثل نیت و اعتقاد. (خلیل، ۱۴۱۰ق: ۲۴۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۷۴-۲۷۲؛ فیومی، بی تا، ج ۲: ۱۶۲)

یکی از ادله مهم حرمت حشره‌خواری تمسک به این آیه شریفه است: ﴿وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ﴾؛ و بر آنان طبیات را حلال و خبائث را حرام می‌کند. (اعراف: ۱۵۷) این دلیل در مصادر فقهی مذاهب مختلف به فراوانی مورد استناد قرار گرفته است، از جمله:

- ریاض المسائل (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۳: ۳۸۹)، مفاتیح الشرایع (فیض کاشانی، بی تا، ج ۲: ۱۸۳) و مسالک الافهام (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲: ۳۶ و ۵۱) در فقه امامیه.



- المذهب (شیرازی، بی تا، ج ۱: ۴۵۱) و کفایة النبیه (ابن الرفعة، ۲۰۰۹م، ج ۸: ۲۲۹) در فقه شافعی.

- المغنی (ابن قدامه، ۱۹۶۸م، ج ۹: ۴۰۷-۴۰۵) و الکافی (ابن قدامه، ۱۹۹۴م، ج ۱: ۵۵۸) در فقه حنبلی.

- بدائع الصنائع (الکاسانی، ۱۹۸۶م، ج ۵: ۳۶) و المبسوط (سرخسی، ۱۹۹۳م، ج ۱۱: ۲۲۰) در فقه حنفی.

گویا نزد استنادکنندگان، آیه مذکور با یک قیاس منطقی ساده بر حرمت حشره خواری دلالت می کند:

صغری: حشرات خبیث اند.

کبری: خوردن هر خبیثی حرام است.

نتیجه: پس خوردن حشرات حرام است.

اما پذیرش این قیاس چندان هم خالی از اشکال نیست، زیرا:

اولاً معنای خبائث در این آیه روشن نیست: «معنی الخبیث غیر ظاهر، إذ الشرع ما بیّنه و اللغة غیر مراد، و العرف غیر منضبط؛ معنای خبیث روشن نیست زیرا شرع آن را تبیین نکرده، لغت هم مراد از آن را معلوم نکرده [چون لغوی معانی مستعمل فيه را می آورد و نه معنای مراد را] و عرف هم پراکنده و نامنسجم است». (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱: ۱۵۷) و لذا لفظ «الخبائث» در اینجا مجمل بوده و قابل استناد نخواهد بود، چون اجمال نص به منزله همان عدم نص است. (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۴: ۳۷۵)

ثانیاً به فرض روشن بودن معنا و عدم اجمال، اساساً برخی از فقها آیه مورد نظر را از دلالت بر حرمت اشیاء و ذوات بیگانه دانسته و آن را ناظر به حوزه افعال و رفتار مکلفان می دانند. (خویی، بی تا، ج ۱: ۲۳۸؛ قمی، ۱۴۱۷ق: ۱۶۷)

ثالثاً بر فرض عدم اجمال و عدم دلالت بر افعال، چون خبیث و طیب از امور نسبی و اضافی اند و به حسب زمانها و مکانهای مختلف مصادیق متفاوتی پیدا می کنند (سبزواری، ۱۴۲۱ق، ج ۳: ۱۱۵)، باید در راستای تعیین مصادیق و موضوع شناسی، عرف واحدی به عنوان ملاک و معیار معرفی گردد، اما تحقق چنین چیزی نیز با وجود تکاثر فراوان در فرهنگ، آداب و رسوم ملل مختلف بالوجدان امکان پذیر نیست؛ همان گونه که تا به امروز محقق نشده است و شاهدیم حتی در میان پیروان یک دین و آیین مشترک چون اسلام نیز فتاوای متضادی در مذاهب فقهی مختلف در این موضوع صادر شده است. از همین رو ملا احمد نراقی می نویسد:

در مجموع امروزه معنای منسجمی از خبائث برای ما حاصل نمی شود و لذا در موضوع شناسی باید بر مصادیقی بسنده کنیم که قطعاً می دانیم آن ها در زمره



خبائث قرار می‌گیرند، مانند فضولات انسان و فضولات نجس و متعفن همه حیوانات غیرمأکول، مردارهای متعفن و مانند این‌ها. در غیر این موارد نیز باید به همان اصالت حلیت عمل کرد. (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵: ۱۲-۱۱)

در نتیجه، به تبع از منابعی چون مجمع‌البرهان (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱: ۱۶۷ و ۱۷۴)، کشف‌اللاثام (فاضل‌هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۹: ۲۵۴ و ۲۵۹) و مستند الشیعه (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵: ۸۲ و ۱۰۴) باید در خبیث دانستن همه حشرات و حکم کلی به حرمت خوردن همه آن‌ها از این جهت تردید نمود به ویژه در مصادیقی چون نحل که قرآن کریم در توصیف آن فرموده است: ﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ \* ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سَبِيلَ رَبِّكَ ذَلَّلَا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾.

و خدایت به زنبور عسل وحی کرد که از کوه‌ها و درختان و سقف‌های رفیع، منزل گیر و سپس از انواع میوه‌های شیرین (و از حلاوت و شهد گل‌های خوشبو) تغذیه کن و راه پروردگارت را به اطاعت بپوی، آن‌گاه از درون آن، شربت شیرینی به رنگ‌های مختلف بیرون آید که در آن شفاء مردمان است. در این کار نیز آیتی (از قدرت خدا) برای متفکران پیداست. (نحل: ۶۸-۶۹)

البته، مسوخ بودن زنبور نباید سبب توهم حرمت در زنبور عسل گردد، زیرا «النحل» هر چند در زبان فارسی به زنبور عسل ترجمه گردیده، اما در مصادر فقهی، «النحل» و «الزنبور» دو عنوان مجزا هستند. (برای نمونه ر.ک: ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۱۱۹)

### ۳.۱.۳. عدم تذکيه

فقها در باب تذکيه حیوانات بر دو قول‌اند؛ گروهی تذکيه را دارای حقیقت شرعی دانسته و لذا در حیواناتی که تذکيه آنها در شرع محرز نشده است اصل را بر عدم تذکيه پذیری و به تبع آن حرمت فرآورده‌ها به دلیل میته بودن می‌دانند اما گروه دوم برآنند: در تذکيه حقیقت شرعی وجود ندارد و لذا با فقدان دلیل در یک حیوان، اصل بر تذکيه پذیری و به تبع آن میته نبودن است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۱۹۹-۱۹۲)

حال، از منظر فقهای گروه نخست مانند شهیدثانی (۱۴۱۳ق، ج ۱۱: ۵۱۷ و ۵۱۸) و بهجت (۱۴۲۶ق، ج ۴: ۵۴۵) چون در تذکيه حشرات دلیل شرعی وجود ندارد، خوردن این حیوانات به موجب اصل عدم تذکيه و صدق میته‌بودن حرام هستند، اما از نگاه گروه دوم مانند بروجری (۱۴۱۶ق، ج ۱: ۱۰۴-۱۰۲)، خویی (۱۴۱۰ق، ج ۲: ۳۴۱) و سبزواری (۱۴۱۳ق، ج ۲۳: ۹۷-۹۵)، هر چند دلیلی از شرع بر تذکيه حشرات در دست



نیست، اما با جریان اصل تذکبه، نمی‌توان عدم تذکبه را دلیلی بر حرمت این حیوانات دانست، لذا در صورت قصور ادله دیگر در ثبوت حرمت حشره‌خواری، به موجب اصله الحلیه، حکم به حلیت آن خواهد شد. (ر.ک: مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۴: ۳۷۴) قاعدتاً بنا بر این قول تذکبه حشرات بدون خون نیز همانند تذکبه ملخ خواهد بود. (ر.ک: صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۷: ۲۸۲)

البته در فقه اهل سنت نیز برخی مانند سرخسی (سرخسی، ۱۹۹۳م، ج ۱۱: ۲۲۰) و ابن حزم (ابن حزم، بی‌تا، ج ۶: ۷۶) تنها در بخشی از حشرات عدم قابلیت تذکبه را دلیل بر حرمت دانسته‌اند.

### ۳. ۱. ۴. سمی بودن

از ادله حرمت خوردن برخی حشرات، سمی بودن آن‌ها ذکر شده و وجود این ضرر موجب حکم به حرمت خوردن آن‌ها شده است. (فیض کاشانی. بی‌تا، ج ۲: ۱۸۳؛ مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۴: ۳۷۴) در واقع دلیل اصلی حرمت در اینجا حاکمیت قاعده معروف لاضرر است. این قاعده یکی از مشهورترین قواعد فقهی است که در بیشتر ابواب فقه به آن استناد شده و مهم‌ترین دلیل برای نفی ضرر و ضرار در قاعده مذکور نیز، دلیل عقلی است. در واقع مدلول این قاعده جزو مستقلات عقلیه است که علاوه بر عقل، ادله کتاب و سنت نیز بر آن دلالت دارند. (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۱۳۱) به موجب همین قاعده حکم به حرمت اکل و شرب هر آن چیزی می‌شود که در مصرفش، علم یا ظن و یا حتی خوف قابل اعتنای ضرر و زیان وجود دارد. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۶: ۳۷۱) واضح است، دلیل حرمت خوردن حشرات سمی در اینجا از باب حکم کلی حرمت اضرار به نفس و بدن است. (ر.ک: خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۳۴۷) و لذا تنها شامل استحصال و بهره برداری نا ایمن از حشرات سمی می‌شود، همان‌گونه که به دلیل وجود مناط تحریم اضرار به نفس و بدن، در بسیاری از گیاهان و ادویه جات و مواد طبیعی دیگر نیز حکم به حرمت خوردن و آشامیدن آن‌ها شده است. (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲: ۷۰) پس این دلیل نمی‌تواند بر حرمت مطلق حشره‌خواری دلالت نماید.

### ۳. ۱. ۵. جلال بودن

جلال به معنای حیوان فضله‌خوار (فیومی، بی‌تا، ج ۲: ۱۰۶) نزد مشهور فقها حیوانی است که از مدفوع آدمی تغذیه می‌کند. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۶: ۲۷۱) جلالت به خلاف مسوخیت دلیل ذاتی حرمت گوشت یک حیوان نیست و از ادله عارضی است که به موجب آن، حلیت حیوانی چون گاو و شتر برای مدتی محدود به حرمت بدل می‌گردد.



این حرمت با تغذیه حیوان از غذای طاهر و منع آن از نجاست‌خواری در مدت مشخصی که بسته به نوع حیوان متفاوت است - رفع می‌گردد. (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۳۲۶ و ۳۲۷)

هر چند جلالت از ادله حرمت ذاتی حشره‌خواری نیست، اما به فرض قصور دلایل ذاتی می‌تواند دلیلی باشد بر حرمت خوردن حشرات نجاست‌خوار و منع از تغذیه آن‌ها، با نجاست انسانی در مزارع پرورش حشرات.

علاوه بر این، شاید رشد و نمو بسیاری از حشرات در فضولات و محیط‌های غالباً آلوده سبب شده تا عرف با نادیده گرفتن تفاوت حشرات با آلودگی‌ها، آن‌ها را در مجموع مصداق خبائث بدانند، به نحوی که با فقدان این تصور و با فرض پرورش حشره در محیطی پاک و پاکیزه، منشأ مذکور نیز تغییر می‌یابد.

سواى جلال بودن، اگر شاکله و استخوان‌بندی حیوان حلالی به سبب تغذیه با شیرخوک حاصل شده باشد، این حیوان و نسل آن نیز به تبع خوک ذاتاً حرام می‌گردد. (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۹: ۲۷۰) از همین رو، باز هم به فرض حلیت ذاتی حشره‌خواری، نباید در تغذیه آن‌ها از فراورده‌های خوکی بهره گرفت.

### ۲.۳. دلیل خاص

هر چند برخی اجماع را یکی از ادله خاص بر حرمت حشره‌خواری دانسته‌اند (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۳: ۳۸۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۶: ۲۹۶)، اما گروهی از فقها در تحقق چنین اجماعی تشکیک نموده‌اند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱: ۱۶۷) و به فرض تحقق نیز با نظر به ادله فقها در حرمت خوردن حشرات که ذکر آن‌ها در ادله عام گذشت، اجماع مذکور - قریب به یقین - مدرکی خواهد بود که عدم حجیت آن در اصول فقه ثابت است. (ر.ک: نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۱۵۱)

علاوه بر اجماع، تنها دلیل خاص یک روایت در کتاب دعائم‌الاسلام است که با ذکر عنوان حشرات حکم بر حرمت خوردن آن‌ها نموده است: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَّهُ نَهَى عَنْ الضَّبِّ وَالْقَنْفَرِ وَغَيْرِهِ مِنْ حَشْرَاتِ الْأَرْضِ كَالضَّبِّ وَغَيْرِهِ»<sup>۱</sup>. (مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۳) اما این روایت به لحاظ سندی ضعیف و غیر معتبر است. (خویی، بی تا، ج ۲۰: ۱۸۵) از همین رو، اکثر منابع آن را در عداد ادله حرمت به حساب نیاورده و تنها معدودی از منابع چون مستند الشیعه (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵: ۱۰۲) و جواهر الکلام (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۶: ۲۹۶) آن را در شمار ادله حرمت حشره‌خواری برشمرده‌اند. هر چند مؤلف جواهر

۱. از [امام] علی علیه السلام: روایت شده است که فرمودند: همانا وی نهی کرد از خوردن سوسمار و جوجه تیغی و غیر آن از حشرات زمین مثل سوسمار و غیر آن.

الكلام، كتاب دعائم الاسلام و نویسنده آن را به ویژه در روایات مرسله اش مطعون می‌داند. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳: ۹۸)

شاید به دلیل اشکالات فوق‌الذکر است که برخی منابع وجود یک دلیل خاص بر حرمت حشره‌خواری را نپذیرفته‌اند و آن را تنها یک حکم معروف و شناخته شده در منابع فقهی می‌دانند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱: ۱۶۷ و محقق سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۵۹۹) و حتی برخی به سبب عدم وجود دلیلی معتبر و قابل اعتنا، به صراحت با تمسک به اصالة الحلیة؛ حکم به حلیت خوردن همه حشرات غیر سمی نموده‌اند. (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۴: ۳۷۴)

### نتیجه گیری

استفاده از پتانسیل حشرات، به عنوان غذا و خوراک برای انسان، دام و طیور، می‌تواند راه حل مناسبی برای حل بحران جهانی غذا باشد و انواع حشرات خوراکی جایگزین مناسبی برای پروتئین‌های مرغ، گوشت و ماهی به حساب آیند، اما با وجود این، یکی از موانع عمده در جوامع اسلامی، حکم به حرمت استفاده از فرآورده‌های حاصل از حشرات چون رنگ‌ها در افزودنی‌های خوراکی است. در تحقیق حاضر، در راستای بازخوانی این حکم، نخست معنای حشرات در علوم تجربی و لغت عربی تبیین شد و سپس با رجوع به منابع فقهی مشاهده شد این منابع هنگام بیان حکم خوردن حشرات، تنها به ذکر مصادیقی از آن‌ها اکتفا کرده و تعریف مشخصی از حشره ارائه نکرده‌اند، لذا در این تحقیق با نظر به مصادیق شمارش شده در منابع متعدد فقهی، مشخص شد مصادیق حشرات در فقه اعم از مصادیق آن در جانورشناسی بوده و فراتر از یک رده از شاخه بندپایان، شامل همه مهره‌داران و بی‌مهرگانی است که دارای ویژگی‌های زیر باشند:

۱. خشک‌زی باشند؛
  ۲. عرفاً در قیاس با چهارپایان و درندگان کوچک باشند، پس نباید به اندازه‌ای ریز باشند که برای دیدن آن‌ها نیاز به چشم مسلح باشد؛
  ۳. اگر پرواز می‌کنند، مانند زنبور و مگس، عرف آن‌ها را پرنده نداند.
- در مرحله دوم حکم حشره‌خواری در مذاهب شش‌گانه اسلامی (امامی، حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی و ظاهری) مورد بررسی قرار گرفته و با مقایسه نظرات فقهای این مذاهب مشخص شد از نظر فقه اسلام حکم به حلیت و حرمت حشره‌خواری در میانه صفر تا صد متغیر است.





در مرحله سوم ادله‌ای که از سوی فقهای مذاهب مختلف بر حرمت حشره‌خواری در فقه اسلامی مورد استناد قرار گرفته است در دو دسته ادله عام و دلیل خاص گنجانده شد و سپس با نقد و بررسی همه این ادله مشخص گردید انتساب حکم حرمت حشره‌خواری به فقه اسلامی به طور مطلق صحیح نبوده و در این فقه حکم حشره‌خواری بین حلیت مطلق و حرمت مطلق نوسان دارد و از سوی دیگر در فقه امامیه نیز دلیل مورد اتفافی که از سوی همه فقها پذیرفته شده باشد بر حرمت خوردن حشرات وجود ندارد.

### منابع و مأخذ:

- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰۸)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن الحاجب المالکی، عثمان بن عمر (۲۰۰۰م)، جامع الأمهات، تحقیق: أبو عبدالرحمن الأخضر الأخری، ج ۲، بیروت: دارالیمامة.
- ابن الرفعة، احمد بن محمد (۲۰۰۹م)، کفایة النبیة فی شرح التنبیه، تحقیق: مجدی محمد سرور باسلوم، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن جزی الکلبی الغرناطی، محمد بن احمد (بی‌تا)، القوانین الفقهیة، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (بی‌تا)، المحلی بالآثار، بیروت: دار الفکر.
- ابن شاس، عبد الله بن نجم الجذامی (۲۰۰۳م)، عقد الجواهر الثمینیة فی مذهب عالم المدینة، تحقیق: أ. د. حمید بن محمد لحم، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
- ابن عسکر البغدادی، عبدالرحمن (بی‌تا)، ارشاد السالک الی اشرف المسالک، مصر: مطبعة مصطفى البابی الحلبي.



- ابن فارس، أحمد بن فارس القزوينی (۱۹۷۹م)، معجم مقاییس اللغة، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، بيروت: دارالفكر.
- ابن قدامه مقدسی، عبدالله ابن احمد (۱۹۶۸م)، المغنی، مصر: مكتبة القاهرة.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۹۴م)، الكافي في فقه الإمام أحمد، بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن مازه، محمود بن احمد (۲۰۰۴م)، المحيط البرهاني في الفقه النعماني، تحقيق: عبدالكريم سامی الجندی، بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابوالبركات عبدالسلام، ابن تيمية الحرائی (۱۹۸۴م)، المحرر في الفقه، ج ۲، رياض: مكتبة المعارف.
- استادی، يحيی (۱۳۹۵)، «حشرات خوراکی، چالش ها و فرصت ها»، مجله گیاه پزشکی کاربردی، ش ۴.
- بحرینی، مجید (۱۳۹۴)، جانورشناسی، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
- بروجری، آقا حسین طباطبایی (۱۴۲۹ق)، منابع فقه شیعه، ترجمه مهدی حسینیان قمی و م. صبوری، ج ۱، تهران: فرهنگ سبز.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۶ق)، تقرير بحث السيد البروجردی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- الجاحظ، عمرو بن بحر الکنانی (۱۴۲۴ق)، الحيوان، ج ۲، بيروت: دار الكتب العلمية.
- بهجت فومنی، محمد تقی (۱۴۲۶ق)، جامع المسائل، ج ۲، قم: دفتر معظم له.
- خمینی، سيد روح الله موسوی (بی تا)، تحرير الوسيلة، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- خویی، سيد ابو القاسم موسوی (بی تا)، المستند في شرح العروة الوثقی، [بی جا]: [بی نا].



- (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، قم: مدینة العلم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، ج ۱، بیروت / دمشق: دارالعلم / الدار الشامیة.
- زند، سحر (۱۳۹۴)، «آیا خوردن حشرات می تواند کره زمین را از فاجعه نجات دهد؟»، وب سایت خبرگزاری **b.b.c**.
- سازمان پژوهش و برنامه ریزی (۱۳۹۸)، زیست شناسی، ج ۴، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
- سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام، قم: مؤسسه المنار.
- سرخسی، محمد بن أحمد (۱۴۱۴ق)، المبسوط، بیروت: دار المعرفة.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۷ق)، المسائل الناصریات، تهران: رابطة الثقافة و العلاقات الإسلامیة.
- (۱۴۱۵ق)، الانتصار فی انفرادات الإمامیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دار الكتاب العربی.
- (۱۳۷۸ق)، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المكتبة المرتضویة.



- شیرازی، ابواسحاق (بی تا)، المذهب فی فقه الإمام الشافعی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الکتب.
- صدر، سید محمد (۱۴۲۰ق)، ماوراء الفقه، بیروت: دار الأضواء.
- طباطبایی حائری، سید علی (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عهد عتیق (۲۰۱۵م)، ترجمه هزاره نو، انگلستان، انتشارات ایلام.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، ج ۲، قم: نشر هجرت.
- فیض کاشانی، ملا محمد محسن (بی تا)، مفاتیح الشرائع، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- فیومی، احمد بن محمد (بی تا)، المصباح المنیر، قم: دار الرضی.
- قلندری، حنیف (۱۳۸۸)، «جانورشناسی»، دائره المعارف بزرگ اسلام ج ۱۷، تهران: مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی.
- قمی طباطبایی، سید تقی (۱۴۱۷ق)، الغایة القصوی فی التعلیق علی العروة الوثقی- کتاب الصوم، قم: انتشارات محلاتی.



- کاسانی حنفی، ابوبکر (۱۹۸۶م)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- کیدری، قطب‌الدین (۱۴۱۶ق)، إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- ماوردی، علی بن محمد (۱۹۹۹م)، الحاوی الکبیر، تحقیق: علی محمد معوض و عادل أحمد عبدالموجود، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۰ق)، بحار الأنوار، ج ۱، بیروت: مؤسسة الطبع و النشر.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق)، قواعد فقهی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳ق)، کفایة الأحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹)، فرهنگ نامہ اصول فقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مصطفوی، حسن (بی تا)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، [بی جا]: [بی تا].
- مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد (۱۳۸۵)، دعائم الإسلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ق)، فقه الإمام الصادق علیه السلام، قم: مؤسسه انصاریان.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامیة (۱۴۲۷-۱۴۰۴ق)، الموسوعة الفقهیة الكويتیة، ج ۲، کویت: دارالسلاسل.



- نائینی، محمد حسین (۱۳۷۶)، فوائد الاصول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام، ج ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نراقی، ملا احمد (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- نراقی، ملا محمد مهدی (۱۴۲۶ق)، تحفه رضویه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- نودهی، کبری و مسعود کثیری (۱۳۹۲)، «تأثیر آموزه‌های طب بهداشتی زرتشت در طب خوراک ایرانیان باستان»، مجله طب سنتی اسلام و ایران، س ۴، ش ۴، ص ۳۸۹-۳۸۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی